

سیری در عالم برزخ

ترجمه فارسی

الحياة الاخری

به قلم دانشمند محقق و اندیشمند

عبدالرزاق نوفل

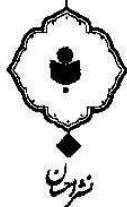
ترجمه و تنظیم از

سید ابراهیم قریشی مکرری

سیری در عالم برزخ

مؤلف: عبدالرزاق نوفل
مترجم: سید ابراهیم قریشی مکرری
ناشر: نشر احسان
چاپ: چاپخانه مهارت
نویت چاپ: اول - ۱۳۹۴
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۷۵۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۰۸۴-۰

نوفل، عبدالرزاق.
الحياة الاخرى. فارسی
سیری در عالم برزخ / عبدالرزاق
نوفل؛
ترجمه و تنظیم از سید ابراهیم
قریشی مکرری.
مشخصات نشر: تهران: نشر احسان،
۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۸۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۰۸۴-۰
موضوع: برزخ-- مرگ -- جنبه های
مذهبی -- اسلام
قریشی مکرری، سید ابراهیم،
۱۳۲۲- مترجم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴
BP۲۲۲/۲۴ / ۹۰۴۱ ن
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴
شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۶۲۰۹



فهرست

۹	اهداء:
۱۱	مقدمه مترجم:
۱۳	مقدمه چاپ اول
۱۷	بخش اول: انسان در بین دو جزء جسد و روح
۱۹	انسان در بین دو جزء جسد و روح
۶۵	بخش دوم: چرا مردن و زنده شدنمان بعد از مرگ واجب است
۶۷	چرا مردن و زنده شدنمان بعد از مرگ واجب است
۷۵	بخش سوم: انتقال به حیات برزخی (آخرت)
۷۷	انتقال به حیات برزخی (آخرت)
۱۱۳	بخش چهارم: ظواهر حیات اخروی
۱۱۵	ظواهر حیات اخروی
۱۵۱	بخش پنجم: چه چیزی جایز نیست و چه چیزی واجب است
۱۵۳	چه چیزی جایز نیست و چه چیزی واجب است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ»

به غیر از متاع حقیری چه هست؟

که ای قوم دنیای فانی و پست

همانا بود بیت دار القرار

بلی منزلی باقی و پایدار

صدق الله العظيم

مؤمن (غافر) ۳۹

له پرتوکی درووس بوونی جیهان ژیرانه بروانی

هه مووپیټ و وشه و دیری به ټیکرالا په ره کانی

مه به ستیکه به رووناکی که بی شه ک لئی جودا نابی

ده سه لمینن به خاوهن بیرکه هه ستی بی خودا نابی

(له مه رحوومی حاجی مه لاهادی ته فخم زاده)

اهداء

الى من تعيش هناك... بعيداً بعيداً جداً في صحبة الاطهار
الى اعز من كانت لي... فار تحلت لتحيات... هناك... بعيداً بعيداً جداً مع الابرار
الى من عاشت و كنت جزءاً منهما... ثم ماتت و هي اعلى الجزء مني
الى روح ابي و امي
صلاه و دعاء

تقديم

به کسانی که آنجا زندگی می کنند... دور است و بسیار دور و در صحبت اطهارند.
تقديم به عزیزترین کسانی که رحلت فرمودند تا زنده بمانند و زندگی کنند در آنجا که دور
است و بسیار دور با ابرار و نیکان.
تقديم به کسانی که زیستند و من جزئی از آنانم سپس رحلت فرمودند و آنان
ارزشمندترین جزء برای من هستند.
تقديم به ارواح پاک والدینم.

مقدمه مترجم

﴿رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَمِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾ (کهف، ۱۰)

الها ز دریای فضلت کنون رسان رحمتی را به لطفی فزون
به سامان رسان کار ما را چنان که مسعود گردیم در دو جهان

از مترجم

شکر و سپاس پروردگاری را سزاوار است که توفیق ترجمه سومین کتاب از تألیفات نفیس و ارجمند جناب عبدالرزاق نوفل یعنی کتاب [حیة الاخری] را به نام سیری در عالم برزخ [مزید بر دو کتاب دیگر این دانشمند محقق به نام‌های (یوم القیامه) یا (روز قیامت) و (القرآن علم الحدیث) یا (قرآن خورشید دانش‌ها) را به این حقیر ارزانی فرمود].

نظر به این که تألیفات این دانشمند محترم به‌طور کلی تحقیقی و مستدل به آیات نورانی قرآن مجید و احادیث حضرت رسول اکرم ﷺ و آراء و نظریات عرفا و علمای دینی و دانشمندان محقق رشته‌های مختلف علمی مزین و آراسته گردیده‌اند به‌حق هم‌چون چراغ پر فروغ و نورانی هستند که عروس مقصود را فراهم دیده و بینش وسیع و ارجمندی به ما ارزانی می‌دارند و همین امر مرا بر این داشت تا حد امکان نسبت به ترجمه کتب نفیس این دانشمند عزیز اقدام شافی و وافی معمول داشته تا در اختیار

عزیزان قرار گیرد بدان امید که انشاءالله مفید فایده واقع گردیده تا بدینوسیله حقیر نیز مصدر خدمتی برای هموعان عزیز خود قرار گیرد.

لازم به ذکر است اشعار نهفته در این کتاب که در واقع معنی آیات قرآن مجید است به غیر از مقداری از آنها که از مترجم است، از قرآن مجید ترجمه منظوم جناب آقای امید مجد می باشد و از فیوضات این عالم شاعر بهره گرفته ام؛ خداوند متعال او را از رحمت خود بی نصیب نگرداند.

پیشاپیش از همکاری مؤسسه محترم نشر احسان که در چاپ و نشر آنها از هیچ گونه همکاری در حق این حقیر مضایقه نفرموده اند کمال تشکر و قدردانی نموده و توفیق و دوام مؤسسه عالی شان و همه دست اندرکاران آن را از خداوند متعال خواهانم.

مترجم - سید ابراهیم قریشی مکی

۱۳۹۰/۳/۷ ه. ش

ترجمه مقدمه چاپ اول

(مقدمه: ۷۴)

﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾

به یزدان بگفت این سخن را از تو توکل نمودیم تنها به تو

نهادیم روی از همه بر درت

همه باز گردند اندر برت

از جمله حقایقی که نیازمند هیچ گونه تأکید و بحث و جدل نیست این است که انسان در طول حیات خود در برابر هیچ چیز به اندازه ترس از مرگ رعب و وحشت به خود راه نداده و هراسان نیست و هیچ کلمه و لفظی را به اندازه کلمه مرگ زشت و کریه نمی انگارد. و همه آدمیان در هر نقطه ای از نقاط کره زمین سکنی داشته باشند در هیچ چیز به اندازه ترس از مرگ وحدت نظر ندارند.

به نظر شما چرا انسان از مرگ بیمناک و هراسان است؟

اصولاً چرا لفظ مرگ را زشت شمرده و از آن دوری و تحاشی می جوید؟ آیا به این علت است که مرگ برای هر انسانی چیزی تازه و نو پنداشته می شود که از آن بیمناک است؟ نه چنین نیست. زیرا نظر و اعتقاد کلی بر این است که در هر چیز نو لذتی نهفته است به غیر از تازگی مرگ... که خوشایند و لذیذ نیست و انسان همیشه در جستجوی جدید و فراهم آوردن شیئی تازه است و از آن صحبت می کند. صحبت از هر چیز نو غیر از جدید بودن مرگ ...!

آیا به این سبب است که مرگ از زمره مجهولات است؟ بلی مرگ مجهول است. زیرا هر کس که در این مسیر قدم برداشته است جز خودکشی، چیزی از آن را درک و دریافت ننموده است و از جمله مواردی است که حتی برای کسی که با آن در تمرین و تمارس است گشایشی فراهم نیاورده و سوژه‌ای به دست نداده است.

شاید تا هر زمان تداوم یافته و ماندگار باشد راز آن مجهول و نامفهوم و کارش مکتوم و نامعلوم مانده است!

آثار این امر به سبب ارتباطی است که انسان بین مرگ و قبری که مشاهده می‌کند که میت در آن به خدا حافظی می‌پردازد. می‌بیند آن‌گاه چهره مرگ در نظرش کبریه و ناهنجار و گرفتار در چنگال وحدتی سخت و جانکاه و تاریکی دهشت‌زا و حفره‌ای تنگ و تدفینی عمیق مجسم می‌شود!!

آیا به این سبب است که انسان شیفته و عاشق حیات است و به هر اندازه در آن ماندگار باشد و در هر اوضاع و احوالی قرار گیرد، زندگی را دوست دارد. در حالی که او در مرگ نه‌ای برای این حیات متصور است. پس اوست در هر جایی باشد و جایی که مرگ نباشد. یعنی شخصیت مستقل به ذات است؛ ولی اگر مرگ فرارسد مرگ وجود مستقل به ذات خواهد بود و او نخواهد بود.

آیا این بدان علت است که انسان به اطرافیان خود از قبیل فرزند و حبیب و دوست و قریب، عشق می‌ورزد و آنها را دوست دارد؟
و تفرقه و جدایی را با همه کسانی که دوستش دارد در مرگ می‌بیند و بعد از آن دیگر برخورد و ملاقاتی صورت نخواهد گرفت؟؟؟

و یا به این سبب است که انسان در بین مرگ و درد و رنج‌هایی که مریض را در بر می‌گیرد در نظر خود مجسم ساخته و ارتباط برقرار می‌کند؟ لذا اگر قبل از مرگ شدت بیماری چنین باشد باید با مرگ چطور باشد؟ بخصوص که اقوال و آراء زیادی که گویای ناراحتی و عذاب و درد و رنج نهفته در مرگ است رد و بدل می‌شود!!

سلسله سؤالات زیادی وجود دارد که همه آنها می توانند مستمسکی باشند که ترس و وحشت انسان از مرگ و کینه و بغضی که نسبت به آن دارد را به اثبات برساند. همه این موارد به ذهنم خطور کرده است. به همان نحوی که به ذهن هر کسی خطور می نماید. و همه این موارد به نظرم خطور کرد و آن را به حرکت و جنبش در آورد؛ به همان نحوی که هر نفسی را به حرکت در می آورد.

جز آن که زمانی که نوجوان بودم این مسئله به ذهنم خطور کرد و نفس مرا به اهتزاز در آورد بر حسب تصادف کتاب کم حجم و کوچکی که درباره مرگ نوشته شده بود نظرم را جلب نمود.

در کمال رغبت به مطالعه آن پرداختم، صحنه های وحشت زای مرگ در نظرم مجسم می گردید و رنج و تعبیه که در آن نوشته شده بود مرا از مرگ ترسان و هراسان کرد و صفات و خصوصیتی که در رابطه با مرگ مجسم و ملموس کرده بود ترس و بیم را در دل من کاشت. هر چند چاره های جز مراجعه طولانی برای ادامه بحث و بررسی در این کاری که چه بسا هر انسانی را گزیر و گریزی از آن نیست نمود و ممکن نمی نماید که آشنای به آن بوده و مستعد پذیرش آن باشد.

لذا کتاب خدای تعالی را جلو خود گذاشتم و جویای کسب نور از آیات شریفه آن شدم و به کتب سلف و خلف از احادیث - تاریخ و شروح و تفاسیر و هر آنچه که امکان نیل به آن را فراهم می ساخت مراجعه نموده و مدنظر قرار دادم و در مسائلی که علم معاصر در مباحث و بررسی های خود بعد از مرگ و مافوق طبیعت و مابعد حیات که خارج از محدوده ادراکند نایل آمده است، به تفحص و تتبع آن پرداختم. فرح و آرامش خاطر حاصل شد. در ضمن به آراء و نظریات علمی که علم از طریق تحقیقات علمی و تجارب آزمایشگاهی که قرآن کریم و احادیث شریف آن را مؤید داشته است و با آراء و نظریات مورد اعتماد از علمای مسلمین و ائمه متصوفه مطابقت داشت و آن را تأیید کرده بود

اطمینان حاصل نمودم. و نتیجه این بررسی ها که بیش از سی سال استمرار یافت عبارت از اوراق پراکنده و افکار متفرق بود مع الوصف با وجود فرو رفتن در اندوه و حزن گسترده و فراگیر به سبب مرگ مادرم به اوراق پراکنده مراجعه کردم و پس از مرتب و منظم کردن، آنها را به صورت کتاب زیر به امید نفع برای عموم در آوردم.

والله ولی التوفیق

﴿رَبَّنَا أَنْتُمُ لَنَا نُورٌ نَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (تحریم: ۸)

بگویند ای داور ذوالجلال رسان نور ما را به حد کمال

بخشای ما را و می گیر دست

که هستی توانا به هر چیز هست

«عبدالرزاق نوفل»